

کند و کاو در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱)

## مفاهیم مطرح و فرایند انجام

# در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



دکتر عباس ملکی

### مقدمه

انقلاب اسلامی ایران حادثه بزرگی است که از جهات مختلف می‌توان به آن نظر افکند و از ابعاد مختلف آن را تحلیل نمود. انقلاب ایران و نحوه تعامل آن با محیط بین‌المللی می‌تواند یکی از ابعادی باشد که شناخت ما را از این انقلاب بیشتر نماید.

همچنین جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام منتج از انقلاب اسلامی رفتار خاص و منحصر بفردی در مواجهه با محیط بیرونی داشته است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نامی است که به مجموعه تعاملات ایران با نظام بین‌الملل می‌توان اطلاق نمود. به صورت کلی این مجموعه می‌تواند به چند بخش تقسیم گردد:

۱- نگاهی به سیاست خارجی از دیدگاه نظری

۲- ایران و فرایند انجام سیاست خارجی

۳- مفاهیم مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۴- دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۵- دو نمونه از روابط ایران با دیگر مجموعه‌ها

۶- روابط ایران با همسایگان خود

دستور کار هر رئیس جمهور، چه در دوره فعالیت‌های انتخاباتی و چه در دوره مسئولیت چهار ساله، از نکات کلیدی و پراهمیت سیاست‌های وی به حساب آمده و بر میزان توفیق و کارآیی او و مجموعه دولت آینده اثرات قاطعی برجای خواهد گذاشت.

برنامه چشم‌انداز توسعه بیست ساله ایران (۱۴۰۴-۱۳۸۴) که کلیت سیاست‌های کلان نظام و اهداف کشور را در ابعاد داخلی و خارجی ترسیم نموده و مراحل تصویب خود را طی کرده است، مشتمل بر یک دیپلماسی فعال، سازنده و متعامل با همه طرف‌ها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. این برنامه وظیفه سنگین توسعه پایدار و جذب منابع خارجی را به عهده رئیس جمهور و دولت وی قرار داده است. در عین حال فضای شدیداً امنیتی پیرامون ایران و قرار گرفتن نیروهای آمریکا و انگلیس در همسایگی

کشور، مسأله تامین امنیت ملی را به پیش زمینه‌ای جدی برای توسعه اقتصادی کشور مبدل نموده است. در این مجموعه در پی آن هستیم که تا حد امکان و به صورت موجز این چند بخش را معرفی نماییم.

### ۱- نگاهی به سیاست خارجی از دیدگاه نظری

مناسب است ابتدا توضیح مختصری در مورد دو واژه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی داشته باشیم. در حال حاضر، زمینه‌های مطرح در مطالعه روابط بین‌الملل متعدد است، اما می‌توان آن را در حداقل سه گروه از انگاره‌ها<sup>۱</sup> تقسیم‌بندی نمود که عبارتند از انگاره‌های واقع‌گرا، تکثرگرا و ساختارگرا. البته کسانی این انگاره‌ها را به نام‌های دیگری نیز خوانده‌اند. شاید مهمترین نام‌گذاری از روزنا است که به ترتیب آنان را کشور محور<sup>۲</sup>، چند محور<sup>۳</sup> و جهان محور<sup>۴</sup> خوانده است.<sup>۵</sup>

۱. در مطالعه روابط بین‌الملل، تمرکز صاحب نظران امروزه بیشتر بر روی رهیافت سیستماتیک<sup>۶</sup> است که توسط کسانی مانند مورگنتا<sup>۷</sup> و یا نواقح‌گرایانی مانند والتز<sup>۸</sup> پیشنهاد شده است. این رهیافت بر دو نکته اساسی تأکید دارد: عقلایی بودن و استفاده از دولت-ملت<sup>۹</sup> به عنوان سطح تحلیل. اما این دو نکته اساسی اکنون برای تردید و تشکیک در تراوی نقد گذارده شده است.<sup>۱۰</sup>

۲. از اوائل سالهای ۱۹۶۰ تمایل شدید تئوریک در آمریکا برای مطالعات کمی و تجربی به وجود آمد که بیشتر با تأکید بر استفاده از روشهای آماری، مصاحبه‌ای و.. بود که اصطلاحاً علوم رفتاری<sup>۱۱</sup> نام می‌گرفتند. آنها سعی می‌کردند که فرضیه‌هایی را بیان نمایند که قابل آزمایش کردن باشد و علاقمند بودند که تئوری‌های کلی را پیدا نمایند. از اواخر دهه ۶۰ گروه‌هایی که مخالف این شیوه پوزیتیویستی بودند، توانستند تا حد زیادی مطالعات تئوریک را به روال سابق آن و تا حد زیادی خارج از روش‌های کمی ارائه دهند. البته این به معنای خاتمه بحث در مورد مطالعات کمی و کیفی نبود و هنوز این بحث ادامه دارد. چند نکته اساسی در ارتباط با مطالعات روابط بین‌الملل مطرح است:

۳. از موضوعاتی که در دو دهه اخیر بسیار بحث برانگیز بوده است، نقش دولت است. انتقادات بیشتر به دیدگاه رئالیستی است که دولت را به عنوان واحد تحلیل قبول می‌نماید. در اینجا بحث بر روی نقش سازمان‌های چند ملیتی است که در بسیاری از کشورها وجود دارند و به دولت خاصی تعلق ندارند و در مقایسه با دولت حتی بزرگتر و قوی‌تر از آنها می‌باشند و به آنها فراملیتی می‌گوئیم.

۴. دومین موضوع، تفکیک بین فاکتورهای داخلی و خارجی در مطالعات بین‌الملل می‌باشد که یک بخش از این بحث به واژه وابستگی متقابل<sup>۱۲</sup> مربوط می‌شود که عمدتاً به وسیله نویسندگانی مانند ژوزف نای<sup>۱۳</sup> مطرح شده است. آنان معتقدند که نمی‌توان فاکتورهای خارجی و داخلی را از هم مجزا نمود و به روابط تنگاتنگ آنان می‌باید توجه داشت.

۵. موضوع دیگری که در روابط بین‌الملل بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، اهمیت و نقش مسائل اقتصادی در روابط بین‌الملل می‌باشد. با توجه به دو اشکال قبلی، برای پاسخ گویی به نیازهای این نوشته، تحقیقات جدید تحت عنوان اقتصاد سیاسی بین‌المللی شکل گرفته است. در این زمینه، مطالعات سوزان استرنج<sup>۱۴</sup> در اقتصاد سیاسی بین‌المللی مطمح نظر است. وی معتقد است که اقتصاد سیاسی بین‌المللی، علمی چند رشته ایست که به بازیگران غیر حکومتی از جمله شرکت‌های فراملیتی، و همچنین بازیگرانی که به عنوان واحد سیاسی مبتنی بر حکومت بر یک سرزمین معین دیده نمی‌شوند، توجه ویژه دارد. بازیگران نوع دوم به تعبیر استرنج، سازمانهای غیر دولتی، شبکه‌های مافیایی و قاچاق و... را در بر می‌گیرند.

۶. دیگر مفاهیم جدیدی که در رشته روابط بین‌الملل در سالهای اخیر بیشتر بدانان تأکید شده است، چند مطلب است. یکی حقوق بشر و روابط بین‌الملل، دوم تئوری بحرانی و روابط بین‌الملل. سوم بخش وسیعی از تحقیقات در آینده روابط بین‌الملل ارتباط مابین اقتصاد بین‌الملل و سیاست بین‌الملل است. مانند تحقیقات و مطالعات فراوانی که در روی تعامل مابین اقتصاد سیاسی بین‌المللی، تحلیل سیاست خارجی و مطالعات استراتژیک صورت می‌گیرد.

۷. موضوع دیگر توسعه کارهایی است که به نحوی ارتباط مابین تشریح روند سیاست گذاری در داخل کشور و رفتار سیاست خارجی کشور را توضیح می‌دهد. این موضوع شامل ساختن کارهایی است که وظیفه سیستم سیاست خارجی را داشته و بیشتر مطالعاتی است که به سیاست‌های دیوانسالارانه، تفکر گروهی و سیستم اعتقادی<sup>۱۵</sup> در سیاست خارجی می‌پردازد. اما این مطلب نیاز به توجه به دو پیامد در سیاست گذاری دارد که تاکنون فراموش شده است: ۱- توجه بیشتر به پروسه عملی کردن سیاستها. تاکنون اکثر مدل‌های سیاست خارجی و تئوری‌ها بر روی سیاست گذاری متمرکز بوده‌اند، انگار که این خود رفتار سیاست خارجی است. این درست نیست. تنها در دوره اخیر است که پیامد اعمال سیاست خارجی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. ۲- آن مدل‌هایی که به تصمیم‌گیری نگاه می‌کنند، نیاز دارند که تلفیقی از دلایل و علل مختلف سطح میانی به وجود آورند. مهمترین موضوع آن است که در این کار سترگ ارتباط مابین مدل‌های مکانیستی رفتاری مثل سیاست‌های دیوانسالارانه با نتایج نگاه بازیگران به جهان معلوم گردد.

۸. شاخص‌ترین مولفه‌های جهانی در دنیای معاصر عبارتند از:

- کم‌رنگ شدن مرز میان فضای داخلی و خارجی کشورها

- بحران مفاهیم حقوقی و سیاسی بین‌المللی

- تغییر کمی و کیفی در مجموعه قدرت‌های مسلط در نظام بین‌الملل
- تغییر ماهیت و ساختار سازمان‌های بین‌المللی بویژه ملل متحد
- اهمیت روزافزون امنیت موسع (داخلی، ملی، منطقه‌ای)
- فروریزی هنجارها و بنیان‌های اجماع بین‌المللی
- تغییر کانون‌ها و حوزه‌های تولید قدرت، امنیت و ثروت
- گسترش سرسام آور ارتباطات
- بی‌ثباتی روزافزون
- عدم کارکرد تمام عیار نظم قدیم
- فقدان شکل‌گیری کامل نظم جدید

۹. نظام جهانی، روابط مابین کشورها و همچنین ظهور بازیگران بین‌المللی به غیر از کشورها، به درجه‌ای رسیده است که نمی‌توان آن را با روابطی که تنها چند دهه پیش بوده است، مقایسه نمود. سیاست خارجی نیز به همین میزان اهمیت پیدا نموده و عواملی که سیاست خارجی را می‌سازند، بیشتر و با اهمیت‌تر گشته‌اند. کنش، واکنش و کنش متقابل میان کشورها به سطح بالایی رسیده است. در اولین سالهای هزاره سوم، دیگر بدون داشتن روابط با دیگر کشورها ادامه حیات برای هیچ واحد سیاسی امکان پذیر نیست.<sup>۱۶</sup>

۱۰. سیاست خارجی، اصولاً در مورد فعالیت‌های یک کشور در محیط و شرایط خارجی است.<sup>۱۷</sup> در همین ارتباط، سیاست خارجی می‌تواند یک استراتژی و یا برنامه‌ای از فعالیت‌ها تعریف گردد که توسط تصمیم‌گیران یک کشور در برابر کشورهای دیگر و یا نهادهای بین‌المللی انجام شده تا به اهدافی که بنام منافع ملی آن کشور خوانده می‌شود، برسند. سیاست خارجی همچنین پروسه‌ای شامل اهداف مشخص، عوامل معین خارجی وابسته به اهداف فوق‌الذکر، توانایی کشور در رسیدن به نتایج مطلوب، توسعه یک استراتژی سودمند، اجرای استراتژی، ارزیابی و کنترل آن می‌باشد.<sup>۱۸</sup>

۱۱. تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عموماً بنام کشور خوانده می‌شود. به عنوان مثال، گفته می‌شود که کشور الف اقدام به اعتراض به کشور ب نمود. در حالیکه همه می‌دانیم که کشور یک واژه انتزاعی است و نمی‌تواند تصمیم‌گیر باشد. در حقیقت سیاست خارجی، پروسه ایست از تصمیم‌گیری و افرادی که بنام تصمیم‌گیر مانند سایر امور کشور به نیابت از کشور و یا مردم تصمیم می‌گیرند.<sup>۱۹</sup> بسیاری از ناظران، الگوی دولت عامل تصمیم‌گیرنده را به طور مثال بازیگرانی می‌دانند که سیستم بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. این بدان معنی است که عمل در سیستم بین‌المللی عادتاً به دولتها نسبت داده می‌شود. ولی این دولت‌ها مجموعه‌ای از کارکنان دولتی هستند که بجای جوامع ملی خود و بنا به وظیفه‌ای که این جوامع

برایشان معین کرده‌اند عمل می‌کنند. به قول جیمز روزنا «این که می‌گوئیم آلمان این را می‌خواهد، یا فرانسه از آن احتراز می‌کند، این خطر وجود دارد که نسبت دادن مشخصات یک انسان به غیر انسان یا واحدهای تجربیدی را بیش از حد لازم ساده کرده باشیم»<sup>۲۰</sup>. با این همه، او از این روش به عنوان یک اختصار لازم دفاع می‌کند.<sup>۲۱</sup>

۱۲. مورگنتا، پیشکسوت نظریه پردازان بعد از جنگ جهانی دوم در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. او در کتاب خود تأیید کرده و می‌نویسد: «ما (تحلیلگر) خود را به جای سیاستمداری قرار می‌دهیم که بعضی از مسائل سیاست خارجی ملتی را باید تحت شرایطی حل نماید. و از خود می‌پرسیم در چنین شرایطی چه راه‌های منطقی دیگری وجود دارد که یک سیاستمدار می‌تواند (با فرض اینکه همیشه رفتار منطقی داشته باشد) برای حل این مسأله انتخاب کند و کدامیک از این راه‌های منطقی را این سیاستمدار احتمالاً انتخاب خواهد کرد؟»<sup>۲۲</sup>

۱۳. برای هر کشوری در سیاست خارجی، نوع کشوری که در مقابل برای ایجاد ارتباط برگزیده است، مهم می‌باشد. به نظر می‌رسد که در یک تقسیم‌بندی کلی، کشور روبرو می‌تواند در یکی از هفت گروه زیر باشد:

- دشمن ما
- متحد ما
- بی طرف
- تسلط طلب

- متحد وابسته به دشمن ما

- وابسته به کشور ما

- دست نشانده کشور ما<sup>۲۳</sup>

۱۴. در اکثر اوقات تصمیم گیرندگان در سیاست خارجی پس از آنکه کشوری را در یکی از دستجات فوق الذکر جای دادند، از آن پس نوع تصمیم‌گیری و تعامل با آن کشور پیرو هنجارهای حاکم بر این دسته از کشورها می‌باشد.

۱۵. تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در محیطی انجام می‌شود که دارای عوامل متعدد است. می‌توان به صورت ساده این عوامل را به عوامل داخلی و خارجی تقسیم نمود، گرچه این کار نیز بلحاظ تعامل عوامل داخلی و خارجی به دقت نمی‌تواند انجام پذیرد<sup>۲۴</sup>. از طرف دیگر رفتار انسانی در سالهای اخیر کشف شده است که ریشه در درون آدمی و مسائل ژنتیکی دارد. عوامل روانشناختی پیامدهای جدی بر وی

رفتار انسانها بخصوص در نحوه تصمیم‌گیری بشر دارد. بنابراین محیط روانشناختی در سیاست خارجی از عواملی همچون ادراک، تصویر ذهنی، فرضیات و انتظارات تصمیم‌گیر از تعامل با جهان تشکیل می‌شود.<sup>۲۵</sup>

۱۶. تامدتی پیش تصور می‌گردید که سیاست خارجی امری حکومتی و دولتی است و افراد در طراحی و اجرای آن نقش تأثیرگذار ندارند، اما پس از توسعه علوم روانشناختی و بخصوص روانشناسی سیاسی اکنون دانشمندان بر این عقیده‌اند که افراد تصمیم‌گیر در سیاست خارجی نقش اساسی در این پروسه دارند. گرچه روشن است که کشورها به عنوان واحدهای سیاسی همچنان مهمترین بازیگران صحنه بین‌المللی هستند، ولی در واقع این افراد عالی‌رتبه نظام‌های سیاسی هستند که از جانب کشورها تصمیم می‌گیرند.<sup>۲۶</sup>

۱۷. رفتارشناسی معرفتی<sup>۲۷</sup> به معنای آن است که انسان به محیط خود از طریق خودآگاهی که خود درک او از مسائل در پرتو دانایی قبلی اوست، به واکنش می‌پردازد.<sup>۲۸</sup> معرفت و یا شناخت، به معنای پروسه ذهنی دانستن، یادگیری و درک امور است. بنابراین مطالعات مربوط به شناخت به موضوعاتی همچون تصویر ذهنی و راه‌هایی که این تصویر ساخته می‌شود، اصلاح می‌شود، عمل می‌کند و بر رفتار انسان تسلط دارد.<sup>۲۹</sup>

۱۸. ارزشها عناصری هستند که بر روی کنش انسان تأثیر دارند. هرکسی سعی دارد که ارزشهای مورد قبول خود را به اهداف سیاسی مشخصی منتقل نماید و تصمیم‌گیران در سیاست خارجی نیز تلاش می‌نمایند تا ارزشها و تجربیات خود را در تصمیمات منعکس نمایند. و در همین زمان آنها تحت تأثیر تعداد بی‌شماری از عوامل محیط داخلی و خارجی هستند.<sup>۳۰</sup>

۱۹. روشن است که هر تصمیم‌گیر زمانی که اطلاعات جدیدی به او می‌رسد، سعی می‌نماید که این اطلاعات را با تئوری‌ها و ادراکات قبلی خود تطبیق دهد. نکته دیگر تصمیم‌گیران بدنبال درک آن چیزی هستند که آن را انتظار دارند.<sup>۳۱</sup>

۲۰. بخشی از نخبگان هر کشور در میدان تصمیم‌گیری در سیاست خارجی حضور دارند. شخصیت نخبگان، روشهای آنان، عقاید، ارزشها و دیگر تک‌ویژگیهای<sup>۳۲</sup> آنان نیز در سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعه‌ای که در مورد ارتباط مابین ارزشهای حاکم بر نخبگان و رفتار سیاست خارجی انجام گرفته است، جرالدهوپل<sup>۳۹</sup> کشور را از میان ۵۶ کشور که دارای حوادث بیشتر در سیاست خارجی خود بوده‌اند بر می‌گزیند. او سپس با استفاده از شیوه‌های ریاضی همچون تحلیل رگرسیون، چهار دسته از متغیرهایی در زمینه روانشناختی، اجتماعی، بین‌کشوری و جهانی را انتخاب

نموده و همچنین کشورها را به چهار دسته غربی، بسته، بی ثبات و جهان سوم تقسیم می نماید. او سه متغیر وابسته نیز در سیاست خارجی کشورها به عنوان رفتار دیپلماتیک سازنده، منازعه غیر نظامی و استفاده از زور در نظر می گیرد. او نتیجه می گیرد که تمام متغیرهای در صحنه خارجی و داخلی، در سطح فردی، کشوری و بین المللی می باید در فهم سیاست خارجی در نظر گرفته شود. او نتیجه می گیرد که عوامل فردی و روانشناختی قوی ترین محرک ها در سلسله مراتب تصمیم گیری در سیاست خارجی است. در حالیکه متن و محتوای تصمیم شاید این مقدار مهم نباشد. در کشورهای بسته و یا در حال توسعه نقش خصوصیات فردی در تصمیم گیری در سیاست خارجی مهمتر از کشورهای توسعه یافته است. او همچنین نوعی همگنی و تجانس مابین نخبگان سیاست خارجی در تمام کشورها می یابد.<sup>۳۳</sup>

۲۱. یکی دیگر از مسائل مربوط به محیط تصمیم گیری در سیاست خارجی، تأثیرات گروه است. افراد تحت تأثیر گروه در زمان تصمیم گیری واقع می شوند. در اکثر کشورها بجز حکومت های اقتدارگرا، تصمیم گیری در سیاست خارجی به صورت گروهی انجام می پذیرد. اما در اغلب تصمیم گیری های سیاست خارجی گروه افراد معدودی در جلسات گروهی به چنین کاری دست می یازند. بنابراین مشکل «فکر گروهی»<sup>۳۴</sup> و آفات آن در سیاست خارجی نیز وجود دارد.<sup>۳۵</sup>

۲۲. موضوع دیگر، عدم قطعیت در سیاست خارجی است. تصمیم گیری در سیاست خارجی عموماً در محیط هایی صورت می گیرد که ناپایدار و پیچیده بوده و ابهام در مورد محیط کاملاً نمایان است. رهبران سیاسی در هر کشور، علاوه بر ملحوظ داشتن مسائل مربوط به محیط بین المللی، نگرانی های داخلی را نیز در تصمیم گیری لحاظ می نمایند.<sup>۳۶</sup> سیاست خارجی هر کشور ترکیبی از اهداف که از منافع ملی ناشی شده اند و وسائل که از قدرت ملی توانائی گرفته اند، می باشد. و از آنجا که منافع ملی و قدرت ملی در عین تعاریف متعددی که از آنان داه شده است، مفاهیم مبهمی هستند، سیاست خارجی که ترکیبی از این دو است، دستخوش ابهام و عدم قطعیت بیشتری خواهد بود.<sup>۳۷</sup> بحث خود را با تعریف مرسوم از سیاست خارجی ادامه می دهیم. «اساسی ترین مولفه های سیاست خارجی عبارتند از: اهداف ملی مورد تعقیب و وسائل نیل به آنها. تعامل اهداف ملی و منابع نیل بدانها مضمون همیشگی کشورداری را تشکیل می دهد. مولفه های سیاست خارجی برای کلیه کشورها، اعم از کوچک و بزرگ، یکسان است»<sup>۳۸</sup>. این تعریف سیاست خارجی را بر اساس اهداف و وسائل موجود برای تحقق آنها تعریف کرده و آن دسته از اقدامات و عواقب نهایی آنها را که ممکن است با مقاصد بیان شده کشورها مربوط یا نامربوط باشد، نادیده می گیرد. مضمون دقیق سیاست خارجی همچنان مورد بحث علمای علم سیاست و روابط بین الملل است.

۲۳. موضوع دیگر ساده سازی در امر سیاست خارجی است. یکی از مسائل مهم در تصمیم گیری در

سیاست خارجی، مسأله اطلاعات است. حجم وسیعی از اطلاعات در جهان کنونی همواره در اختیار تصمیم‌گیران است. فارغ از کیفیت مورد مجادله این اطلاعات که می‌تواند مورد سوء فهم قرار گیرد<sup>۳۹</sup>، تمام اطلاعات بلحاظ محدودیت‌های ذهن بشری نمی‌تواند مورد استفاده تصمیم‌گیر قرار بگیرد. بنابراین با توجه به واقعیت دنیای ما که به هر حال مقامات کشورها همه روزه در حال تصمیم‌گیری هستند، این سؤال پیش می‌آید که آنان چگونه با انبوه اطلاعات ولی دسته‌بندی نشده، ناکامل و با کیفیت نامعلوم تصمیم می‌گیرند. پاسخ این سؤال آن است که آنان به ساده‌سازی رو می‌آورند<sup>۴۰</sup>. آنان بخش‌هایی از محیط را که برای آنان شناخته شده است را با بکار بردن ساختار دانایی موجود خود (عقاید، چارچوب و تصویر ذهنی) برای تفسیر و تعبیر اطلاعات ورودی، ساده می‌نمایند. در تصمیم‌گیری نیز مجدداً بازیگران سیاسی، با استفاده از مدل‌های شهودی، وسعت و سنگینی پروسه انتخاب را کاهش داده و آن را ساده می‌نمایند. هر چقدر که محیط پیچیده‌تر و نامعلوم‌تر باشد، افراد بیشتر به مدل‌های شهودی شناختی در تحلیل اطلاعات رو می‌آورند تا بتوانند و یا تصور نمایند که تمام عوامل شناخته شده و می‌توانند تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند<sup>۴۱</sup>.

۲۴. در این میان، علمای روابط بین‌الملل بر این عقیده‌اند که سیاست خارجی هر کشور مستقیماً با عناصر قدرت ملی آن کشور در ارتباط است. می‌توان برای تعیین قدرت ملی یک کشور میان دو دسته از عوامل تفکیک قائل شد: عوامل نسبتاً با ثبات و عواملی که همواره دستخوش دگرگونی هستند. جغرافیا به وضوح باثبات‌ترین عاملی است که شالوده قدرت ملی را تشکیل می‌دهد<sup>۴۲</sup>. همچنان رودها، دریاها، اقیانوسها، دره‌ها، دشت‌ها و کوه‌ها مهم‌ترین صحنه‌های ترجمه سیاست‌ها و استراتژی‌های طراحی شده می‌باشند. تفاوت کشورها در ارتباط با قدرت آنان مانند تفاوت آنان در شکل و اندازه کشورشان است. منابع طبیعی نیز یکی دیگر از عوامل باثبات در میزان قدرت یک ملت نسبت به ملل دیگر است. مواد غذایی، مواد خام و از جمله منابع مدنی خصوصاً نفت و گاز از جمله مظاهر توان یک کشور بشمار می‌روند. قدرت صنعتی و یا تکنولوژیک در زمینه‌هایی مانند صنعت، حمل و نقل، ارتباطات و یا کشاورزی خود می‌تواند گویای قدرت یک کشور باشد. آمادگی نظامی مستقیماً با قدرت یک کشور در رابطه است و در ذیل آمادگی نظامی می‌توان به عواملی همچون تکنولوژی نظامی، رهبری، کمیت و کیفیت نیروهای مسلح پرداخت. جمعیت یک کشور نیز نمادی از قدرت ملی آن کشور می‌تواند باشد و البته این موضوع الزامی نیست. شاید از خود جمعیت، توزیع جمعیت و روند رشد جمعیت مهم‌تر باشد. در میان عوامل کیفی مربوط به قدرت ملی می‌توان از منش ملی<sup>۴۳</sup>، روحیه ملی<sup>۴۴</sup>، کیفیت حکومت و جامعه و کیفیت دیپلماسی نام برد. شاید بتوان گفت که دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است. همانگونه که



روحیه ملی روح آن است. اگر قدرت دید آن کاهش پیدا کند، قدرت داوری آن دچار اشکال شود، و اراده آن تضعیف گردد، همه امتیازات ناشی از موقعیت جغرافیایی، خودکفایی در مواد غذایی، مواد خام، تولید صنعتی، آمادگی نظامی، تعداد و ویژگیهای جمعیتی در دراز مدت چندان به کار ملت نخواهند آمد. ملتی که بتواند به داشتن همه این امتیازات بیبالد، اما دیپلماسی متناسب با آنها را نداشته باشد، ممکن است از طریق وزنه خالص سرمایه طبیعی اش به موفقیت‌های موقت نائل شود، اما در دراز مدت با بکاراندختن ناقص، ناپیوسته و مسرفانه این سرمایه طبیعی در راه اهداف بین‌المللی ملت، آن را بر باد خواهد داد.<sup>۴۵</sup>

۲۵. می توان متغیرهای مؤثر بر سیاست خارجی را به ۵ گروه تقسیم نمود:

– **متغیرهای فردی:** این متغیرها به برداشتها، تصورات و ویژگی‌های تصمیمگیران مربوط می‌شود. احتیاط در مقابل بی‌ملاحظگی، عصبانیت در مقابل دوراندیشی، عمل‌گرایی در مقابل آرمانگرایی، احساس برتری در مقابل احساس حقارت و ... این گونه متغیرها بر سیاست خارجی و تصمیم‌گیری در آن تأثیر بسیاری دارد. زیرا این یک انسان است که می‌باید در یک لحظه بحرانی تصمیم بگیرد و مسائل کوچک مانند این که سیاستمدار امروز صبح قبل از آمدن به وزارت خارجه آیا با همسرش بگو مگو داشته یا خیر در تصمیمات آن روز سیاستمدار تأثیر بسزایی دارد.

– **متغیرهای نقش‌گرایانه:** این متغیرها معمولاً به عنوان شرح مشاغل یا قواعد رفتاری مورد انتظار از مقامات تعریف می‌شود. منظور از مقامات افرادی مانند رئیس‌جمهور، وزراء، مقامات اداری عالی رتبه، نمایندگان مجلس و نخبگان دیگری است که در سیاست خارجی دخالت دارند. صرف‌نظر از شخصیت روانی یک فرد، وقتی وی نقش خاصی را به عهده می‌گیرد، رفتار وی بر اساس انتظاراتی که مردم از آن نقش دارند، به طور قابل توجهی تغییر می‌یابد.

– **متغیرهای دیوانسالارانه:** این متغیرها به ساختار و فرآیندهای یک حکومت و تأثیر آنها بر سیاست خارجی مربوط می‌شوند. بوروکراسی در هر کشوری دارای یک روند پیچیده می‌باشد. اکثر تصمیم‌گیری‌ها در سیاست خارجی به نوعی منعکس‌کننده منافع متعارض ادارات مختلف دولتی، دستگاه‌های نظامی و دوائر وابسته به آنها است. رفتار دولت آمریکا در جریان خلیج خوکها و مذاکرات شورای امنیت ملی آمریکا نشان می‌دهد که هر کدام از مراکز دولتی مانند وزارت خارجه، سازمان مرکزی اطلاعات، وزارت دفاع و ... آن طرحی را پیشنهاد می‌کردند که منافع مرکز و یا اداره خود را حد اکثر می‌ساخت.<sup>۴۶</sup>

– **متغیرهای ملی:** منظور از متغیرهای ملی، متغیرهای زیست محیطی نظیر وسعت، موقعیت جغرافیایی،

عوارض زمینی، آب و هوا و منابع طبیعی کشورهاست. برای مثال، یک کشور قاره‌ای که از مرزهای آسیب پذیر و موقعیتی استراتژیک برخوردار است، احتمالاً یک استراتژی تهاجمی در پیش گرفته و با حمایت کشور قدرتمندتر و متحرک تری را به خود جلب خواهد کرد. منظور از متغیرهای ملی همان عواملی است که قبلاً تحت عنوان عوامل به وجود آورنده قدرت ملی از آنها بحث کردیم. عامل اقتصاد در این میانه از اهمیت بیشتری برخوردار است. مراحل مختلف توسعه اقتصادی اعم از داخلی و خارجی می‌تواند تبیین کننده درجات متفاوت و مختلف استقلال سیاست خارجی باشد.<sup>۴۷</sup>

- **متغیرهای نظام گرایانه:** منظوراندسته از متغیرهایی است که نسبت به کشور مورد مطالعه، خارجی محسوب می‌گردند. برای نمونه، ساختار و فرآیندهای کل نظام بین‌الملل را می‌توان در این مقوله قرار داد. نظام نوین بین‌المللی، توازن قدرت، نظام تک قطبی یا چند قطبی هر کدام به صورتی بر سیاست خارجی کشورها تأثیر خواهند داشت.<sup>۴۸</sup> مثلاً سیاست خارجی ایران در سیستم دو قطبی بدون تردید با سیاست خارجی این کشور در دوره پس از فروپاشی شوروی متفاوت خواهد بود. این متغیرها تصمیم‌گیری در کشورهای کوچک را بیشتر تحت تأثیر قرار خواهد داد تا کشورهای قوی و بزرگ.

۲۶. برخی از صاحب نظران، تصمیمات سیاست خارجی را به سه بخش عمده تقسیم می‌نمایند:

- **تصمیمات برنامه ریزی شده<sup>۴۹</sup>:** تصمیمات عمده‌ای که از عواقب بلند مدتی برخوردار بوده و بدنبال مطالعه، تأمل و ارزشیابی مفصل کلیه گزینه‌ها اتخاذ می‌شود. این تصمیمات تکرار شده، خوب تعریف شده و برای حل مشکلات، از قبل روال‌هایی وجود دارد. اطلاعات در مورد مسائلی که باید در مورد آنها تصمیم بگیریم تا حد قابل توجهی وجود داشته و همچنین احتمال آنکه راه حل‌ها به نتیجه برسد زیاد است.<sup>۵۰</sup>

- **تصمیمات بحرانی:** تصمیماتی که در ادواری اتخاذ می‌شوند که تهدید شدیدی پیش آمده، زمان پاسخگویی محدود بوده و میزانی از غافلگیری وجود دارد که به خاطر عدم وجود پاسخ‌هایی از پیش برنامه ریزی شده، ارائه پاسخی اختصاصی را می‌طلبد.

- **تصمیمات تاکتیکی:** تصمیمات مهمی که معمولاً از تصمیمات برنامه ریزی شده مشتق شده و می‌توانند مورد ارزشیابی مجدد، تجدید نظر، لغو و ابطال قرار گیرند.<sup>۵۱</sup>

نوع دیگری از اشکال تصمیم در سیاست خارجی را می‌توان در شناسایی بعد مرحله و یا ترتب<sup>۵۲</sup> نگاه افکند. از این بعد، تصمیمات به دو گروه اساسی و تبعی تقسیم می‌شوند. تصمیم اساسی<sup>۵۳</sup> به تصمیمی گفته می‌شود که به انتخاب اهداف جدید معطوف گردد. چنین تصمیماتی ممکن است سبب ایجاد خط مشی جدید و تغییر یا اصلاح سیاست قبلی گردند و یا واکنشی به یک موقعیت نوین در محیط باشند.

اتخاذ این گونه تصمیمات انحصاراً در اختیار رهبران جامعه است. نوع دوم، تصمیمات تبعی<sup>۵۴</sup> است. تصمیمات اساسی، زمینه را برای تصمیمات تبعی فراهم می‌کند. این گونه تصمیم‌ها خود ناشی از تصمیم‌های اساسی هستند. این گونه کارها عمدتاً در اختیار تکنوکرات‌ها و یا مقامات وزارت امور خارجه است.

نوع دیگری از تقسیم‌بندی تصمیمات به منشاء تصمیم باز می‌گردد. منشاء پویا و متحرک خود سه نوع تصمیم‌گیری را اقلان می‌نماید. اولین آنها، تصمیمات ابتکاری و یا ابداعی<sup>۵۵</sup> هستند. این گونه تصمیم‌ها سبب ایجاد واکنش و رفتارهایی در نظام بین‌الملل گردیده و در سیستم بین‌الملل جنبش و تحرک به وجود می‌آورند، گرچه از فرآیندهای داخلی سرچشمه می‌گیرند. عقلانیت و انتخاب منطقی - تحلیلی در تصمیمات ابداعی بیش از سایر تصمیمات احتمال وقوع دارد. دومین نوع، تصمیمات واکنشی<sup>۵۶</sup> است. این نوع، به منظور واکنش نسبت برای وقایع خارج از کشور اتخاذ می‌گردد. نوع سوم تصمیمات تکراری است. منظور آن است که تصمیم‌گیرندگان، با ملاحظه مجدد آلت‌رناتیوها، تصمیمات قبلی را تکرار نمایند.<sup>۵۷</sup>

**۲۷. رؤسای جمهور** به عنوان بالاترین مقام اجرایی کشورها و همچنین نخست وزیران روش‌های خاص خود در رهبری جامعه را دارند. خلق و خوی رئیس جمهور در کار، چگونگی ارتباط داشتن با اطرافیان، چگونگی دست یافتن به اطلاعات و نوع ساختار ذهن رئیس جمهور در نگرش یک کشور به سیاست خارجی و تصمیم‌گیری در این حوزه موثر است.<sup>۵۸</sup> هر رئیس جمهور بر روی پروسه سیاست خارجی کشورش کنترل داشته و تصمیمات نهایی در این زمینه توسط او اتخاذ می‌گردد. به صورت کلی نقش شخصیت در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و عالی، موضوع دیگری برای بحث است، اما به صورت ابتدایی می‌توان گفت که نقش یک فرد همچون رئیس جمهور هنگامی در فعالیت‌های یک سیستم برجسته‌تر می‌گردد که اولاً محیط اطراف فرد دارای قابلیت تجدید ساختار باشد. ثانیاً شخص مورد نظر در مرکز این محیط بوده و یا نقش او بلحاظ تمرکز، به صورت استراتژیکی باشد و نهایتاً آنکه فرد مورد نظر دارای توانایی‌های شخصی قابل توجه باشد. لازم به تذکر است که برای یک رئیس جمهور، محیط به معنای نظام بین‌المللی، محیط داخلی کشور و همکاران او اعم از کابینه و مشاوران می‌باشد.<sup>۵۹</sup> شخصیت انسان‌ها در کارکرد آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. اما در برخی از اوقات این تأثیر دو چندان می‌گردد. خصوصیت‌های فردی در شرایط زیر تأثیر بیشتری بر روی وظایف بازیگر دارد:

۱. موقعیت‌های مبهم مانند موقعیت نو، پیچیده و یا متناقض؛
۲. جهت خلق و خوی اصلی بازیگر در جهت خلاف رویه‌های رایج باشد؛

۳. بازیگر در موضوعات سیاسی دخالت داشته باشد؛

۴. از او تقاضای یک فعالیت سیاسی در سطح بالا را داشته باشند.<sup>۶۰</sup>

۲۸. از طرف دیگر مطالعات اخیر نشان می‌دهد که متغیرهای مشترک برای انجام وظائف توسط رؤسای جمهور می‌تواند در پنج متغیر خلاصه شود:

۱- میزان دخالت در پروسه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری: نشانگر توجه و تمرکز رئیس جمهور و مداخله شخصی او در پروسه آنچه که در حال اتفاق است و حل مشکلات می‌باشد.

۲- میزان علاقه برای تحمل اختلاف: توجه رئیس جمهور به اختلافات به معنای اجازه دادن او به وجود عدم توافق و ناهمسازی مابین همکاران و مشاوران او می‌باشد.

۳- میزان انگیزش برای رهبری: محرک یک رئیس جمهور برای مدیریت جامعه می‌تواند انعکاسی از انگیزش او توسط یک عامل مهم مانند یک ایدئولوژی، تأیید مردم و یا منافع شخصی باشد.

۴- مدیریت اطلاعات: استراتژی‌های متخذه توسط رئیس جمهور برای مدیریت اطلاعات، حل مناقشه به معنای روش رئیس جمهور برای ساختن محیط افراد خود می‌باشد. این بدان معناست که آیا رئیس جمهور می‌خواهد که پس از آنکه اطلاعات از چند صافی درست شده توسط زیردستان او گذشته به او برسد و یا رئیس جمهور مایل است که به صورت فعال درگیر پردازش و مدیریت اطلاعات باشد؟

۵- میزان آشنایی با تکنیک‌های حل مخاصمه: آیا رئیس جمهور مایل است که تنها در مواقع بحرانی به میانجی‌گری در مناقشات و اختلافات همکاران خود بپردازد و یا اینکه در جریان مباحثات آنان به صورت فعال شرکت کرده و سعی در کم نمودن فاصله دیدگاه‌های آنان دارد؟<sup>۶۱</sup>

۲۹. رئیس جمهور همچنین می‌تواند به مثابه رهبر سازمان مورد مطالعه قرار گرفته و مطالعات رهبری سازمانی در این مورد مد نظر قرار گیرد.<sup>۶۲</sup> یکی از تئوری‌های رهبری در زمینه‌های قدرت و تأثیر آن، تئوری اتصال زوجی عمودی است. رهبران روش‌های مختلفی برای ارتباط برقرار نمودن با مردم دارند که می‌توان آن‌ها را در چارچوب زوج رهبر-پیرو مورد نظر قرار داد. توجه شود که یک رئیس جمهور تنها یک روش برای برخورد با گروه‌های مختلف اعم از همکاران خود در دولت، مجلس، مطبوعات و مردم ندارد، بلکه برای هر لایه اجتماعی او دارای یک روش در نحوه ارتباط خویش با آنهاست. اما رئیس جمهور تنها با یک گروه از پیروان خود روابط بسیار نزدیکی داشته و بیشترین توجه را بدانان نموده و بیشترین پشتیبانی را از آنان می‌نماید. این گروه مثلاً می‌تواند همکاران و مشاورانی از او در دولت باشد که مثلاً از یک حزب و یا گروه سیاسی به قدرت رسیده‌اند. به این گروه «کادر» می‌گوئیم.<sup>۶۳</sup> رئیس جمهور نسبت به دیگر گروه‌ها با توجه کمتر و پشتیبانی ضعیف‌تر برخورد نموده و در حقیقت نسبت

بدانان حالت سرپرستی دارد. در تصمیم‌گیری‌های حکومتی نیز میان گروه حالت اول و گروه‌های دیگر رقابت وجود داشته و میزان دسترسی هر کدام از آنان به اطلاعات کاملاً متمایز است.<sup>۶۴</sup>

۳۰. تصمیمات سیاست خارجی، متغیر مستقلی از مجموعه نظرات رئیس‌جمهور است. این متغیر به صورت غیر مستقیم با دخالت فرآیند مشاوره مواجه می‌گردد. مجموعه نظرات و عقایدی که رئیس‌جمهور با خود به دفتر ریاست جمهوری می‌آورد، به نوعی جهت و گرایش‌های وی را در سیاست خارجی مشخص می‌سازد و به زبان دیگر خطوط کلی را برای دستگاه‌های مسؤول در سیاست خارجی مشخص می‌سازد.<sup>۶۵</sup> دفتر مشاوره در حقیقت وحدت نظر مابین مشاوران مختلف را برقرار می‌نماید. در یک مطالعه دیگر، روابط رئیس‌جمهور و مشاوران او در پنج دسته طبقه‌بندی شده است:

- آزمایش واقعیت

- تقویت کردن

- تلفیقی از آزمایش واقعیت و تقویت نمودن

- جبران

- وکالت

مشاوران هر کدام به صورت متفاوت به نیازهای سیاسی و روحی او پاسخ می‌دهند. افراد نوع اول اکثراً به محیط و وقایع حادث شده در آن توجه داشته و به محرک‌ها و نیازهای روحی رئیس‌جمهور کمتر توجه دارند. نوع دوم، اکثراً بدنبال آن هستند که به رئیس‌جمهور بفهمانند که چقدر نقش آنان مهم است. نوع سوم، گرایش‌های روانشناختی رئیس‌جمهور را با نیازها و شرایط محیطی تطبیق می‌دهند. نوع چهارم مشاور بخش و یا خصلتی را از خود به جامعه نشان می‌دهد که در آن رئیس‌جمهور ضعیف است و یا آن را ندارد. آن دسته از مشاورین که در دسته وکالت جای می‌گیرند، در مقابل دسته سوم، در حقیقت به صورت روانشناختی، تفویضی از طرف رئیس‌جمهور کار می‌کنند. یعنی مواردی که رئیس‌جمهور در ارائه اظهار نظر مقید و یا محدود است، آنها این کار را می‌کنند.<sup>۶۶</sup>

۳۱. همانطور که گفته شد سیاست خارجی یک کشور برآیند پروسه پیچیده و چند وجهی تصمیم‌گیری است که تعداد متعددی از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در آن دخالت دارند. هر کدام از بازیگران هدف متفاوتی را پی‌گیری می‌نمایند که بعضاً افراد مختلف اهداف متضاد دارند. این تفاوت در اهداف، زمانی که به تصمیم‌گیری مشخص در سیاست خارجی نزدیک می‌شویم، منجر به بی‌تصمیمی و یا رفتار ناهمساز توسط واحدهای مختلف دخیل در سیاست خارجی می‌شود. ناهمسازی در اعمال سیاست خارجی خود موجب پیامدهای جدی در کاهش بازدهی و کم شدن اعتبار یک کشور در سطح جهانی

شود. این مسأله زمانی جدی‌تر می‌شود که اهداف متخالف، به صورت همزمان در حال اجرا باشد. به عنوان مثال با یک کشور قرار است که روابط تجاری همه جانبه داشته باشیم و در همان زمان قرار است که نسبت به نقض حقوق بشر در همان کشور بشدت اعتراض گردد.

## ۲- مفاهیم مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱. **انقلاب ایران به نحو روشنی بازتابی از مفاهیم اسلامی است.** اساس اسلام در ارتباط با مردم و جهان، در مفهوم دعوت نهان شده است. اسلام بر آن است که همه جهان را به آشنایی با مبانی این دین دعوت نماید. انقلاب ایران نیز دعوت از تمامی مستضعفان و محرومان جهان را سرلوحه اهداف خارجی خود قرار داده بود. این موضوع در ارتباط با ایجاد امت اسلامی نیز قرار می‌گیرد.

۲. **انقلاب ایران، جهان شمولی را از اهداف خود می‌دانسته است.** کرن بریتون در کتاب کالبدشکافی انقلاب می‌گوید که همچون انجیل که بدنبال جهانی کردن مسیحیت است، انقلاب‌ها در آمال و اهداف خود جهان‌شمولند. صدور انقلاب اسلامی و یا دعوت از تمامی جهانیان برای آشنا شدن با مبانی انقلاب هدف اصلی سیاست خارجی ایران است.

۳. **انقلاب ایران به صورت کاملاً مشخصی از پدیده‌های شیعی سود برده است.** استفاده از مفاهیم همچون عاشورا، شهادت، راه پیمایی‌های بزرگ در ایام مذهبی کاملاً روشن است. اما آنچه که در موضوع رابطه با بیرون مد نظر است، استفاده از مفهوم مهدویت است. مهدویت به عنوان اندیشه‌ای که در نهایت جهان را علیرغم مظاهر فساد، تفرقه و مادیت، به حکومت جهانی واحد و محیط امن و آزاد می‌رساند، دارای پیامدهای بین‌المللی است. سیاست خارجی بنا شده بر مفهوم مهدویت از هرگونه حرکت همگرایانه در سطح جهان و یا در سطح منطقه‌ای حمایت می‌نماید. بنابراین اتحادیه اروپا، اتحادیه تجارت آزاد آمریکای شمالی، سازمان وحدت آفریقا و سازمان همکاری‌های شانگهای اصالتاً دارای پیام منفی برای انقلاب ایران نیست. موضوع انتظار همچنان در ادامه حرکت انقلاب اسلامی نقش آفرین است. به صورت کلی استفاده از عناصر شیعی به گرایش و علاقه مردم به کشور خودشان افزوده است و بدین ترتیب راه را برای هرگونه تهدید خارجی بسته است. اصولاً مذهب قادر به تشویق وابستگی فرد به قلمرو و در دوران جدید به دولت - ملت بوده است.

۴. **انقلاب اسلامی از آنچه که در تاریخ ایران به صورت رویه و یا جریان واقع شده، سود برده است.** انقلابها به وضوح در درون مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی از پیش موجود به وجود می‌آیند که بسیاری از این الگوها از رژیم قبل انتقال می‌یابند. در ایران به مانند دیگر کشورها، انقلاب سر آغاز تحول در تاریخ نبود که در آن هر چیزی فقط بنابر اراده انقلابیون امکان پذیر شود. استفاده از

موضوعاتی همچون نوروژ، در همین ارتباط است. در سیاست خارجی نیز ایران از روابط گذشته ایران با دیگر کشورها سود برد، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی را ادامه داد و تنها خط کلی سیاست خارجی را از وابستگی به آمریکا به استقلال تغییر داد.

**۵. انقلاب ایران در عین حال بر پایه‌های وطن دوستی و وطن پرستی (ناسیونالیسم) بنا شده است.** برخی گمان می‌بردند که بواسطه تأکید رهبران انقلاب بر اصول مذهبی، موضوع ایرانی‌ت در این حرکت مغفول مانده است. مهمترین نشانه ایران‌دوستی رهبران انقلاب مقاومت آنان و مردم در برابر تجاوز عراق به ایران است. حضرت امام (ره) در پاسخ به درخواست ریاست گروه ویژه کنفرانس اسلامی برای اتمام جنگ ایران و عراق که گفته بود اگر کمی از اراضی و یا آبهای ایران به عراق اضافه شود، راه دوری نرفته است گفته بودند که اگر برای هر یک و جب از خاک ایران هزاران شهید دهیم ارزش آن را دارد که تمامیت ارضی این آب و خاک را حفظ نمایم. بجای هرگونه بحث نظری تنها به ذکر سه مثال می‌پردازیم:

**الف:** در زمان حیات حضرت امام (ره) برخی پیشنهاد می‌نمودند که برای نزدیکتر شدن به وحدت اسلامی مناسب است که از برخی از نام‌های ایرانی چشم‌پوشیم. منجمله مناسب است که بجای نام بردن از خلیج فارس بگوئیم خلیج اسلامی تا همه اعراب و ایرانیان رضایت دهند. امام با این پیشنهاد مخالفت کردند.

**ب:** در یکی از نطق‌های وزیر خارجه وقت در مورد رودخانه مرزی مابین ایران و عراق از واژه شط العرب استفاده شده بود. امام با قلم خود آن را به اروند رود تغییر داده بودند.

**ج:** حساسیت ایرانیان اعم از مردم، مسئولان و ایرانیان خارج از کشور در مورد استفاده مجله نشنال جئوگرافیک از دو نام برای خلیج فارس موجب حیرت دیگر کشورها گردید.

بنابراین عناصر ناسیونالیستی انقلاب ایران کم اهمیت‌تر از دیگر عناصر آن نیست. هنر انقلاب ایران تلفیق عناصر اسلامی و ملی با یکدیگر بوده است. احیای ناسیونالیسم در برخی از موارد مانند جزایر ایرانی سه گانه در خلیج فارس می‌تواند نیروی موثری در حفاظت از منافع ملی ایران باشد.

**۶. حمایت از جنبش‌های آزادیبخش راه را برای یک سیاست خارجی مبتنی بر منافع ملی سد نمی‌نماید.** حرکت‌های مردمی و جنبش‌های آزادی بخش از یک نگاه ابزاری برای اعمال موثر سیاست خارجی کشورها می‌تواند باشد. همچون گروه‌های غیر دولتی و یا رسانه‌ها که کاملاً مشهود است که چگونه کشورهای بزرگ از آنان استفاده می‌نمایند. حتی رژیم‌هایی مانند اسرائیل برای هرگونه فعالیت‌های گسترش طلبانه خود، بشدت از عوامل رسانه‌ای و همچنین ایجاد فشار علیه دشمن خود به

بهبادهای حقوق بشر و تروریزم استفاده می‌نماید. جادارد که ایران نیز از چنین اهرم‌هایی استفاده نماید. نزدیکی به حزب الله لبنان علاوه بر بعد اسلامی و شیعی آن، از این بعد نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که دفاع در برابر رژیم صهیونیستی بهتر است که در نزدیکی خانه دشمن باشد تا در نزدیکی مرزهای ایران و یا در داخل کشور.

#### ۷. سیاست خارجی ایران مجموعه‌ای از هماهنگی با نظام جهانی و در عین حال

**مخالفت با آن است.** همسو با روندهای کلی در نظام جهانی، ایران نیز همچون بازیگران دیگر صحنه بین‌المللی در تکاپو برای حداکثر نمودن منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خویش است. تفکر روابط بین‌الملل پس از جنگ دوم که عمدتاً تحت سلطه پارادایم‌های واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی بود به طور گسترده‌ای از تأثیر تغییرات درون کشوری در سیاستگذاری خارجی چشم پوشی کرد. براساس این پارادایم‌ها سیستم بین‌المللی نقش‌ها و هنجارهایی را ایجاد می‌کند که همه دولت‌ها مجبورند خود را با آنها وفق دهند، حتی دگرگونی‌ها عظیم انقلابی منجر به تغییر رادیکال رفتارهای یک دولت در عرصه بین‌المللی نخواهند شد، مگر اینکه تغییرات منجر به فروپاشی آن دولت شوند. اما باید گفت که حتی اگر دولت‌های پس از انقلاب در بلند مدت از قواعد و هنجارهای بین‌المللی پیروی کنند، در کوتاه مدت سیاست خارجی آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند چرا که ایدئولوژی انقلابیون پیروز برای مشروعیت بخشیدن و تحکیم رژیم نیاز به این کار دارد. به صورت اولیه ایران با اکثر جریان‌های بین‌المللی همسویی دارد. ایران همچنین تصور «جامعه جهانی» که بر پایه قوانین و هنجارهای رفتاری‌ای قرار گرفته است که همه بازیگران موظفند خود را با آنها وفق دهند را نیز نمی‌پذیرد در نهایت روابط بین‌المللی ایران بسیاری از تعاریف پذیرفته شده منافع ملی را به چالش می‌کشد. ایران، عضو فعال ملل متحد است و در مجامع این سازمان همچون مجمع عمومی و کمیته‌های وابسته فعالیت می‌نماید. در سازمان‌های تخصصی جهانی نیز از اعضای صاحب نظر است. در عین حال در موارد استثنایی نیز مخالف برخی از روندهای فعلی است. از جمله در مخالفت با اسرائیل جدی است. حتی الامکان می‌کوشد که از هژمونی آمریکا بکاهد و در مواردی که موضوع به نوعی مستقیماً با نظرات اسلام مابینت دارد مخالفت می‌ورزد. مانند مسأله تساوی کامل حقوق زنان، سقط جنین و توهین به رسول الله (ص). منافع ملی ایران نیز بخش دیگری است که مطمح نظر تصمیم‌گیرندگان است و در مواردی به این دلیل با نظرات غالب بر صحنه جهانی مخالفت می‌کند مانند موضوع غنی‌سازی اورانیوم.

#### ۸. سیاست خارجی جمهوری اسلامی، صحنه برخورد و تعامل واقع‌گرایی و آرمانگرایی

است. از یکسو، انقلاب اسلامی، یک انقلاب ایدئولوژیک بوده و الزامات و اهداف مکتبی خود را



بدنبال دارد و از سوی دیگر ایران کشوری است همچون دیگر ملت- کشورها با محدودیت‌ها و فرصت‌های خاص خود. آیا این دو بایکدیگر در تنازع دائمی هستند؟ و یا می‌توان آنها را در کنار هم داشت؟ «مقصد یک سیاست خارجی متکی بر ایدئولوژی، تأثیرگذاری بر محیط و در نهایت، تغییر آن مطابق آمال خویش است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علیرغم جوانی و کم‌تجربگی، بواسطه اصول انقلاب، اهداف عظیم و والایی را در عرصه‌ای به وسعت سراسر جهان پیش روی خود دارد». در مقابل، سیاست واقع‌گرا، جولانگاه عینیات و محاسبات مادی است. ملاحظات و مقدمات بر آن حاکم است. شکست و پیروزی، دو واژه پررنگ است که از یکی پرهیز و به سوی دیگری گام برداشته می‌شود. فضیلت، واژه غیرقابل فهمی است که در اهداف سیاست واقع‌گرا راه نمی‌یابد. یک نظام متکی بر ایدئولوژی، چاره‌ای جز تلفیق واقع‌گرایی و آرمانخواهی ندارد تا علاوه بر حفظ و پیشرفت خود، در مسیر تحقق خواسته‌های نهایی آرمانهایش نیز کوشش کند و چنانکه گفته شد، لاجرم این کوشش در محدوده توان و مقدمات نظام برای تضمین ادامه حیات آینده آن صورت می‌گیرد.

۹. **محیط معاصر بین‌المللی:** جهان امروزه در همه جا فراگیر است: دیدنی و شنیدنی است از طریق شبکه ارتباطات. زمین در حال کوچک شدن و تبدیل به یک دهکده جهانی است. بدون وارد شدن در مباحث جهانی‌سازی و جهانی شدن، به این نکته بسنده می‌نمائیم که فواصل جغرافیایی در حال کوتاه شدن برای آنان است که می‌خواهند مشاهده کنند و بدانند. اگر امروزه یک نفر در ترکیه کسی را کتک بزند، از طریق رسانه‌ها این موضوع تبدیل به یک اغتشاش در سیستم بین‌المللی خواهد شد. اگر در جایی شیر نفت را ببندند، درجای دیگری چرخ‌ها از حرکت باز خواهند ماند. دوم آنکه صحنه بین‌المللی به لحاظ بیشتر شدن بازیگران در حال بیشتر بهم ریخته شدن است، کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملیتی، و گروه‌های زیادی که منافع آنان در خارج از مرزهای کشورهای خود است. به همین دلیل پیچیدگی حوادث بیشتر شده است. سوم آنکه تغییرات در اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با سرعت بیشتری در حال انجام شدن است. تأثیرات آنها عمیق‌تر شده و به نوعی فرم آشوب را بر خود گرفته است و حتی تغییر در ارزشها که تاکنون بنیادی و اساسی بوده‌اند شدت گرفته است. اگر کسی امروزه ادعا نماید که با فضای بین‌المللی آشناست، فردا مشاهده خواهد کرد که محیط به نوع دیگری است. بنابراین تغییرات ساختاری جهانی یک موضوع تک‌عاملی نیست و براحتی برای سؤالات بی‌شمار پاسخی نمی‌توان یافت. و چهارم آنکه موضوع بزرگی و عظمت نتایج عملکرد هر واحد سیاسی در صحنه بین‌المللی است. در گذشته اگر فعالیت‌های دیپلماتیک پیشگیرانه به نتیجه نمی‌رسید، حداکثر کشورها بسمت جنگ کشیده می‌شدند. سربازان به جبهه‌ها می‌رفتند و به بقیه مردم نیز القا می‌گردید که بهترین

حالت، حفظ آرامش است. اما امروزه یک تصمیم اشتباه از طرف رهبران کشورها، اگر به جنگ منتج گردد، دیگر جنگ‌ها محدود و با خسارات کم نیستند، بلکه ممکن است که در انتهای جنگ کشوری از صحنه جغرافیا حذف شود و یا کل بشر نابود گردد.

۱۰. **روندهای کلی در جهان معاصر:** در جهان امروز چهار روند کلان به چشم می‌خورد: جهانی‌سازی، منطقه‌گرایی، دمکراسی‌گرایی، و نهایتاً افول سکولاریسم.

۱۱. **جهانی‌سازی:** تعبیر و تفسیر از جهانی شدن متنوع و گوناگون است. آمریکائی‌ها مراد خود از جهانی‌سازی را یکسان‌سازی فرهنگ و عادات و سنن مناطق مختلف جهان می‌دانند و آمریکا را حافظ نظم نوین جهانی و عبارتی پلیس بین‌المللی دانسته که با ابزار نظامی، اقتصادی و بخصوص بازار انرژی، کنترل جهان را در دست دارد. پیشینه تاریخی این پدیده در حقیقت بازگشت به دوران پس از فروپاشی شوروی سابق و بلوک شرق است. این حادثه در آخرین دهه قرن بیستم مهم‌ترین نقطه عطف در حوزه روابط بین‌الملل بود. پس از این رویکرد در صحنه بین‌الملل، نظام تک قطبی در غرب در صدد تئوری پردازی‌های جدیدی برآمد که از جمله این تئوری‌ها می‌توان به نظریه جورج بوش (پدر) رئیس‌جمهور آمریکا در پس از حمله به عراق در ۱۹۹۱ مبنی بر «نظم نوین جهانی» اشاره نمود. با توجه به این پیشینه تاریخی می‌توان به راحتی از پیوند وثیق و عمیق تجدد و جهانی شدن پرده برداشت. در حقیقت جهانی شدن، جلوه دیگری از پدیده تمدن موجود است که دقت در اهداف و کارکردهای آن می‌تواند بخوبی اهداف جهانی شدن را هویدا سازد.

۱۲. **منطقه‌گرایی:** تاریخ تمدن بشری از تجارب تلاش برای یکپارچگی ملت‌ها از طریق زور و شمشیر آکنده است. تجربه همگرایی در گذشته بجز از راه زور، کمتر موفق بوده است. تجربه همگرایی منطقه‌ای اروپا که با تشکیل جامعه ذغال و فولاد در ۱۹۵۷ آغاز گردید، سبب شد که گرایش به توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از مزایای آن در میان کشورهای جهانی گسترش یابد. در میان کشورهای در حال توسعه در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا نیز طرح‌های همگرایی منطقه‌ای ایجاد گردیده است. اگرچه هیچکدام از این طرح‌ها به اندازه منطقه‌گرایی در اروپا که نهایتاً به تشکیل اتحادیه اروپایی منجر گردید، موفق نبوده است، اما نباید از نظر دور داشت که سازمان‌های منطقه‌ای در یک قضاوت کلی دارای کارنامه مثبتی در سطح جهان بوده‌اند. هرچند که اهمیت متغیر عامل خارجی و عوامل سیاسی دیگر در همکاری‌های منطقه‌ای در جهان سوم سبب بروز دشواری‌هایی در مسیر تحقق آن گردیده است.

علیرغم دشواری‌های جدی که طرح‌های همگرایی منطقه‌ای در جهان سوم با آن روبرو شده‌اند، در

منطقه خاورمیانه نیز برای ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای اقداماتی انجام گردیده است. در این منطقه تشکیل سازمان همکاری منطقه‌ای برای عمران (آر. سی. دی) در سال ۱۳۴۳ با شرکت ایران، ترکیه و پاکستان قابل اشاره می‌باشد. اعضای این سازمان، توسعه صنعتی بر اساس الگوهای ارائه شده از سوی کشورهای غربی را مورد توجه قرار دادند. علیرغم پیوندهای فرهنگی - تاریخی در میان اعضای آر. سی. دی، این سازمان در طول فعالیتش که تا ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ادامه یافت، به دستاورد چشمگیری دست نیافت.

ایده شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۳۷۱ توسط ایران پیشنهاد گردید، اما کشورهای دیگر خلیج فارس یعنی عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات عربی متحده و عمان که ایران را به تنهایی قوی و قدرتمند می‌دیدند، مایل به تجمع در یک سازمان منطقه‌ای که تفوق ایران را تشدید می‌نمود، نبودند. علی‌الخصوص که نفوذ عراق در میان نخبگان و هیئت حاکمه کشورهای عرب خلیج فارس در آن زمان غیرقابل کتمان بود. در سال ۱۳۶۰ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این بار ۶ کشور جنوب خلیج فارس، شورای همکاری را بدون ایران و عراق تشکیل دادند. هرچند که شورای همکاری در زمینه‌های دفاعی، نظامی و امنیتی به دستاوردهای قابل توجهی دست نیافته است، اما در مواردی مانند همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی، کاهش تعرفه‌ها، گمرک، لغو روادید و... موفق بوده است. مهمترین دستاورد شورای همکاری، محاوره با اتحادیه‌های دیگر منطقه‌ای در جهان بخصوص اتحادیه اروپا بوده است که در صدور کالاهای کشورهای عضو شورا به اروپا موثر بوده است. به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۴ سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) در میان ایران، پاکستان و ترکیه تشکیل گردید. گسترش تجارت، ایجاد رشد و توسعه پایدار، تحکیم علائق و پیوندهای فرهنگی و اجتماعی، کمک به رشد تجارت جهانی و از میان بردن سیاست‌های بازرگانی تبعیض آمیز نسبت به کشورهای در حال توسعه نیز از اهداف این سازمان اعلام گردید. در سال ۱۳۷۰، جدا شدن کشورهای آسیای مرکزی از اتحاد شوروی و استقلال آنان مقارن با پیوستن این کشورها به این سازمان بود. فرصتی که بدون شک اگر در اختیار سازمان دیگری قرار می‌گرفت، موثرتر از آن استفاده می‌نمود. جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز که به اگو پیوستند، همگی از دسترسی به آبهای آزاد محروم بوده و در عین حال از منابع غنی انرژی برخوردار هستند. عوامل عینی و ادراکی مانند همگونی و تقارن، فرهنگ مشترک و نیازهای عینی، سبب پیوستن جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به اگو گردید، اما ساختارهای اقتصادی و سیاست‌گرایی زودرس، روند همگرایی میان اعضای اگو را کندتر کرده است. افغانستان، آخرین عضو اگو نیز با توجه به تحولات پس از ۱۱ سپتامبر می‌تواند بخشی از نوسازی خود را از طریق اگو محقق

سازد. همچنین برون‌گرایی با درجات مختلف در بین اعضای آکو و بخصوص ترکیه و تمایل شدید به وارد شدن به اتحادیه اروپا وجود دارد.

۱۳. **دمکراسی گرایی:** حکومت، زائیده موافقت یا رضایت حکومت شوندگان است. این مطلب اساس دمکراسی در جهان معاصر است. طبق نظریه قرارداد اجتماعی، دولت به مثابه یک سرداور و یا یک داور بی‌طرف در جامعه است. دولت مظهر منافع تمامی شهروندان است و هرگاه افراد یا گروه‌ها دچار تضاد منافع شوند، دولت وارد عمل شده و قواعد بازی و شرایط قرارداد را به اجرا در می‌آورد. اگر این نقش دولت بیشتر مورد توجه لیبرال‌هاست، کسانی نیز هستند که نقش اساسی دولت را مبارزه با بی‌عدالتی در جامعه می‌دانند. مفهوم دمکراسی در سطح جهانی به عنوان «یک چیز خوب» محسوب شده است. گرچه هیچ تعریف مورد قبول یا قطعی برای دمکراسی وجود ندارد، اما مردم از طریق برگزیدن نمایندگان خود در حقیقت حکومت را تشکیل داده و جامعه را اداره می‌نمایند. دمکراسی نمایندگی، حکومت را در دستان طبقه‌ای از سیاستمداران حرفه‌ای، از جمله افرادی که مسؤلیت آشکار دارند، قرارداده تا آرمان‌های مردم را به واقعیت نزدیک نمایند. در عین حال خاطر نشان می‌شود که بدلیل آنکه افرادی که از طرف مردم انتخاب می‌گردند، انسانهایی با رفتار و محدودیت‌های انسانی هستند، همیشه این دغدغه وجود دارد که آیا نمایندگان مردم، عقاید آنها را بیان می‌نمایند و یا نظرات خود را؟ البته بازخور رفتار حکومتگران در دوره بعدی انتخابات، نشان می‌دهد که مردم در این مورد چگونه قضاوت نموده‌اند. علیرغم تمامی ناکاستی‌های دمکراسی، همچنان این روش به عنوان بهترین روش از میان مجموعه‌ای از بدترین راه حل‌های اداره حکومت از جمله استبداد، هرج و مرج، وابستگی و... شناخته شده است. تحولات سالهای آخر قرن بیستم نشان می‌دهد که در مجموع روند تبدیل حکومت کشورهای مختلف در جهان به سوی حکومت‌های دلخواه مردمان آن سرزمین‌ها به نفع دمکراسی در جریان بوده است. گرچه کودتا و حکومت نظامی گاه و بیگاه در نقطه‌ای از جهان رخ داده است اما تشکیل حکومت با روش دمکراسی نمایندگی بیشتر از گذشته بوده است. در این میان وضعیت در خاورمیانه نه تنها امیدوار کننده نیست، بلکه از لحاظ شاخص دمکراسی شاید سیر قهقرای نیز پیش بینی گردد. در این میان، ایران یک کشور استثنایی است. دمکراسی پارلمانی در ایران یک واقعیت زنده و پویاست که علیرغم تمامی موانع سد راه آن بخوبی توسعه یافته و پیش می‌رود. بدلیل آنکه در هر کشوری، کسانی که عهده دار تصمیمات استراتژیک هستند، تنها افراد معدود و یا جمع محدودی است و بدلیل آنکه این افراد با رجوع به برداشت‌ها و ادراکات خود از جهان واقع تصمیم می‌گیرند، روند تکاملی دمکراسی و بسط آزادی‌های فردی و اجتماعی در ایران نشان دهنده نوع و طرز تفکر و بینش مسؤولان اصلی کشور است.

### ۳- ایران و فرایند انجام سیاست خارجی

۱. ایران یکی از مهمترین کشورهای جهان بلحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیکی است.<sup>۶۷</sup> از نقاط قوت این کشور می‌توان به همسایگی با ۱۵ کشور در مرزهای خاکی و آبی خود اشاره داشت.<sup>۶۸</sup> این کشور دومین دارنده ذخائر نفت خام در جهان پس از عربستان سعودی، و دومین دارنده ذخائر گاز جهان پس از فدراسیون روسیه است.

۲. طبیعت عمومی ساختار قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران روشن و مانند سایر اکثر کشورهایاست. اما دارای ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی است که بیشتر باید بدان‌ها توجه نمود. از یک سو، فلسفه حکومت در ایران با دیگر کشورها مشترک است. قدرت حکومتی در ایران به سه بخش تقسیم شده و قوای مقننه، مجریه و قضائیه وجود دارند. از سوی دیگر، پروسه سیاسی در ایران دارای ساختار و سلسله مراتب خاص خود است که این مبحث سعی می‌کند گوشه‌ای از آن را منعکس نماید.

۳. در نظام دمکراسی پارلمانی در ایران، ۲۹۰ نماینده مجلس برای چهار سال به وسیله مردم برگزیده میشوند. رئیس جمهور توسط مردم برای چهار سال انتخاب می‌شود که حداکثر دوبار یک شخص به صورت متوالی می‌تواند رئیس جمهور شود. رئیس جمهور به عنوان رئیس اجرائی حکومت، مسؤولیت مدیریت بر همه امور جاری کشور را داراست. رئیس جمهور ۲۲ وزیر را به پارلمان پیشنهاد می‌نماید. وزراء به صورت مستقیم در برابر مجلس پاسخگو هستند.

۴. اما آنچه که در نظام ایران متفاوت است، ماهیت مذهبی آن است. ۸۶ نفر از علمای اسلامی توسط مردم به عنوان اعضای مجلس خبرگان به مدت ۸ سال انتخاب می‌شوند. سپس این نهاد، رهبر عالی انقلاب اسلامی را انتخاب کرده و در طول دوره نسبت به عملکرد او نظارت می‌نمایند. رهبر انقلاب رئیس قوه قضائیه را منصوب می‌نماید که کلیه دادگاه‌های عمومی، انقلاب و نظامی را زیر نظر دارد. رهبری علاوه بر این فرماندهی نیروهای مسلح را نیز به عهده دارد.

۵. شورای نگهبان، نهادی است که مسؤولیت انطباق مصوبات مجلس را با قوانین اسلامی داراست. این نهاد همچنین تفسیر قانون اساسی را به عهده داشته و نظارت بر حسن انجام انتخابات ریاست جمهوری، پارلمان و مجلس خبرگان به عهده اوست.

۶. مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از تغییراتی که در قانون اساسی در سال ۱۳۶۷ به وجود آمد، تأسیس شد. همه ۳۸ عضو مجمع از تفکرات سیاسی مختلف، احزاب و جمعیت‌های متفاوت<sup>۶۹</sup> توسط رهبری منصوب می‌گردند. مسؤولیت‌های مجمع تشخیص مصلحت عبارت است از پیدا کردن راه‌هایی برای رفع بن بست مابین پارلمان و شورای نگهبان در صورت لزوم، مشاوره دادن به رهبری و پیشنهاد

نمودن خطوط کلی سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی.

۷. شورای عالی امنیت ملی نیز در پس از بازنگری در قانون اساسی به وجود آمد. رئیس جمهور، ریاست شورای عالی را به عهده داشته و این شورا تلفیقی از نهادهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است. دو نماینده از طرف مقام معظم رهبری، رؤسای سه قوه (رئیس جمهور، سخنگوی مجلس و رئیس قوه قضائیه)، وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات و دفاع، فرماندهان نیروهای مسلح مانند ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعضای این شورا هستند. شورای عالی، سیاست خارجی، سیاست دفاعی و سیاست‌های امنیتی نظام را تدوین می‌نماید. مصوبات شورا پس از تأیید رهبری قابل اجراست.

۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بروشنی ارجحیت‌های سیاست خارجی ایران را روشن ساخته است. چهار گروه از کشورها به ترتیب دارای اولویت می‌باشند:

۱- همسایگان ایران

۲- کشورهای مسلمان

۳- کشورهای جهان سوم و

۴- کشورهایی که به نوعی یکی از نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا نظامی ایران را برطرف سازند.

۹. اگر نگاهی به موقعیت جغرافیایی ایران بیفکنیم، متوجه خواهیم شد که ایران واسطه‌ای مابین دو منطقه مشحون از انرژی در جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر است. در محیط پس از جنگ سرد، ایران به صورت یک قدرت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی پدیدار گشت و در حالیکه از لحاظ ژئواستراتژیک اهمیت خود را افزایش داد، در دو منطقه بزرگتر یعنی خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ خود را افزایش داد. در هر منطقه، سیاست‌های ایران مشخص کننده نیازهای اقتصادی و امنیتی ایران بود. و به همین دلیل سیاستهای ایران گاه در بخش دوجانبه با کشورهای مناطق موصوف با سیاست‌های چند جانبه ایران در همان مناطق همپوشانی داشت. در جنوب روابط جدید ایران با عربستان سعودی، قطر و اخیراً امارات عربی متحده نشان از نگرش جدید سیاست خارجی ایران به کشورهای مزبور دارد. در آسیای مرکزی، ایران به صورت کلی مایل به انکشاف روابط از طریق سیاست‌های چند جانبه است. مورد مشخص آن تشویق کشورهای این منطقه به پیوستن به سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) است. در همین زمینه می‌توان گفت که در حالیکه محرک ایران برای همکاری‌های خود با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز همچنان اقتصادی است، در جنوب، دلیل اصلی همکاری‌های ایران در خلیج فارس، محرک‌های امنیتی ناشی از حضور سربازان آمریکایی در منطقه می‌باشد.

۱۰. مهمترین منبع و مآخذ برای شناخت اهداف سیاست خارجی ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با توجه به آنچه که در مقدمه و اصول آن آمده است، می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را که بر اساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده است بشناسیم. مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی موارد زیر است:

- سعادت انسان در کل جامعه بشری<sup>۷۰</sup>

- استقلال کشور<sup>۷۱</sup>

- ظلم ستیزی و عدالت خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین<sup>۷۲</sup>

- تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان<sup>۷۳</sup>، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام<sup>۷۴</sup> و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان<sup>۷۵</sup>

- نفی هرگونه ستم گری و ستم کشی<sup>۷۶</sup> و نفی هرگونه سلطه گری و سلطه پذیری<sup>۷۷</sup> و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر<sup>۷۸</sup>

- طرد کامل استعمار<sup>۷۹</sup> و جلوگیری از نفوذ اجانب<sup>۸۰</sup> و حفظ تمامیت ارضی<sup>۸۱</sup> و نیز نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور<sup>۸۲</sup>، فرهنگ و ارتش گردد<sup>۸۳</sup>.

- روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب

- صداقت و وفای به عهد در معاهده‌ها<sup>۸۴</sup>.

۱۱. در جمهوری اسلامی ایران ساختار تصمیم گیری در سیاست خارجی مشخص می‌باشد. گروه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی وجود دارند که در اعمال سیاستهای متخذه ارگانهای رسمی ذی نفوذ بوده و عکس العمل نشان می‌دهند. از جمله می‌توان از بیوت آیات عظام، ائمه جمعه، احزاب سیاسی، جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نهادهای انقلابی، رسانه‌ها و از جمله مطبوعات را نام برد. اما تصمیم گیری در سیاست خارجی دارای سلسله مراتب و نظام معینی است. بر طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، جمهوری اسلامی دارای سیستم حکومتی بر پایه تفکیک قواست. تدوین سیاست خارجی در ایران و اجرای آن عمدتاً در حوزه اختیارات رهبری، قوه مقننه و قوه مجریه است که هر کدام دارای اختیارات محدود در این زمینه می‌باشند.

- **مقام رهبری:** بخش مهمی از تصمیمات سیاست خارجی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر عهده رهبری می‌باشد. مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام، اختیار اعلام جنگ و صلح با رهبری است. از طرف دیگر، کلیه مصوبات شورای عالی امنیت ملی که بخش مهمی از آنها در ارتباط با سیاست خارجی است، می‌باید به تأیید رهبری رسیده و رهبر اختیار نصب دوفنر در شورای مزبور را

دارد.

- **ریاست جمهوری:** رئیس جمهور بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسؤولیت اجرای قانون و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. در ساختار تصمیم گیری در سیاست خارجی، رئیس جمهور با تعیین و معرفی وزیر امور خارجه، با انتخاب سفرا و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و پذیرش سفرای خارجی مقیم تهران، در امضای عهد نامه‌ها، مقاله نامه‌ها، موافقت نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دول و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی ذی مدخل است.

- **هیأت دولت:** سیاست کلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی به صورت مصوبات و با دستورالعمل‌های رهبری از طریق هیات وزیران و با توجه به مسؤولیت‌های هریک از وزارتخانه‌ها به مرحله اجرا در می‌آید. در ابتدای هر سال دولت برنامه سالانه خود را به مجلس ارائه داده و مجلس با تصویب برنامه و اختصاص بودجه نقش مهمی در اجرای سیاست خارجی دارد. برقراری و یا قطع روابط دیپلماتیک و همچنین کاهش و گسترش روابط با کشورهای دیگر نیز از جمله اختیارات قوه مجریه است.

- **مجلس شورای اسلامی:** عالی‌ترین نهاد قانونگذاری کشور بوده و در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی و با رعایت موازین شرع و اصول قانون اساسی می‌تواند وضع قانون نماید. مجلس شورای اسلامی از طریق تصویب کلیه عهد نامه‌ها، مقاله نامه‌ها و موافقت نامه‌های بین‌المللی در سیاست خارجی دخالت می‌نماید. همچنین هرگونه تغییر جزئی در خطوط مرزی، ارجاع به داوری، دریافت و یا اعطای وام و استخدام کارشناسان خارجی به عهده مجلس شورای اسلامی است.

- **شورای عالی امنیت ملی:** اصل ۱۷۶ قانون اساسی، وظائف شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور را تعیین سیاستهای دفاعی-امنیتی کشور، هماهنگ نمودن فعالیتهای سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بهره-گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی می‌داند. بخش عمده‌ای از وظائف شورای عالی امنیت ملی در محدوده روابط خارجی کشور می‌باشد.

- **شورای نگهبان:** این شورا نیز با اختیاراتی که اصول ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی در تأیید نهایی مصوبات مجلس شورای اسلامی به آن داده، مسؤولیت تطبیق قوانین مصوبه مجلس را با قانون اساسی و شرع دارد و می‌تواند در کنترل سیاست خارجی نقش ایفا نماید.<sup>۸۵</sup>

- **مجمع تشخیص مصلحت نظام:** این مجمع گرچه به عنوان بازوی مشورتی رهبری شناخته شده است، اما در تدوین سیاستهای کلی نظام و همچنین اظهار نظر در مواردی که اختلاف نظر مابین مجلس و شورای نگهبان رفع نمی‌شود، اهمیت دارد.



- **قوه قضائیه:** هر چند که قوه قضائیه مستقیماً در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران دخیل نیست، اما در دو بخش حضور این قوه پررنگ می‌شود. اول موارد مربوط به تحولات قضایی کشور و الزام وزارت امور خارجه به پاسخگویی در برابر نهادهای حقوق بشری مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و یا کمیته حقوق بشر مستقر در ژنو است. دوم قوه قضائیه با داشتن دو بازوی نظارتی یعنی دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور بر فعالیت‌های وزارت امور خارجه نظارت می‌نماید.<sup>۸۶</sup>

- **وزارت امور خارجه:** گرچه مطابق قانون اساسی و قانون شرح وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۲۰ فروردین ۱۳۶۴، وزارت امور خارجه عهده دار اجرای سیاست خارجی است<sup>۸۷</sup>، لیکن نقش این وزارتخانه به دو دلیل از صرف اجرا بالاتر می‌رود. اول آنکه در اکثر مراجع تصمیم‌گیر همچون شورای عالی امنیت ملی و هیات دولت، وزیر امور خارجه عضویت داشته و در مراجع دیگر مانند مجلس شورای اسلامی و یا مجمع تشخیص مصلحت موضوع با حضور نماینده‌ای از وزارت خارجه بحث و بررسی می‌گردد. دوم آنکه در برخی از اوقات حادثه پیش آمده بقدری سریع و غیر مترقبه است که نمایندگیها و مرکز وزارت خارجه نمی‌توانند منتظر گردش کار در فضای بوروکراتیک تصمیم‌گیری سیاست خارجی گردند. در این گونه اوقات، وزیر امور خارجه رأساً تصمیم گرفته و سپس مراتب را به مقامات دیگر گزارش می‌دهد. از این گذشته، آنچه که در حوزه مسؤلیت وزارت امور خارجه قرار دارد، امر کنترل، نظارت، ایجاد ارتباط و تأمین نمایندگی‌ها و همچنین تهیه و جمع - آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی می‌باشد. در این ارتباط وظائف وزارت خارجه عبارت است از:

الف: توجه و مراقبت دائم در باره وقایع بین‌المللی و اوضاع داخلی کشورها و تهیه گزارش  
ب: بررسی، برقراری، حفظ و توسعه روابط خارجی دولت ایران با سایر دول و سازمانهای بین‌المللی  
ج: انجام مذاکره و مکاتبات با دول خارجی و سازمانهای بین‌المللی  
د: اداره ماموریت‌های سیاسی و کنسولی وزارت امور خارجه و نظارت بر نمایندگی‌های دولت در خارج از کشور

ه: انجام و تأمین ارتباط بین ارگانهای مختلف دولت با دول خارجی.<sup>۸۸</sup>

۱۲. **اجرای سیاست خارجی،** از موضوعات مهم در فرآیند سیاست خارجی است. پس از اتخاذ تصمیم، سیاستگذاران باید آن را به اجراء گذارند. اجرای سیاست خارجی تفاوت بسیاری با اجرای سیاست داخلی دارد. در سیاست داخلی، دولت توسط حاکمیت و کنترلی که بر اتباع خود دارد، اجرای تصمیمات را تضمین می‌کند. لیکن در سیاست خارجی، هیچ دولتی بر دولت دیگر کنترل حاکمانه ندارد.

نخستین مرحله برای اجرای سیاست خارجی، توضیح قانع کننده می‌باشد. کشورهایی که همکاری آنها برای اجرای تصمیمات ضروری است، باید قانع شوند که سیاست اتخاذ شده به نفع آنها نیز هست. پس از بیان محتوای سیاست خارجی برای بازیگران ذیربط و یا رقیب، چانه زدن برای حصول نقطه نظر مشترک آغاز می‌شود.<sup>۸۹</sup> در حالی که چانه زنی ادامه دارد، بازیگری که خواهان اجرای سیاست معینی است، می‌تواند از ابزارهایی برای وارد کردن دیگران بهره گیرد. ابزارها و تکنیک‌های اجرای سیاست خارجی عبارتند از:

- ابزارهای سیاسی، که عمدتاً از تلاشهای پرسنل ماهر تشکیل شده است. اینان می‌توانند در کشور هدف بگونه‌ای عمل کنند که فرآیند سیاسی آنرا در جهت منافع کشور خویش هدایت کنند.
- ابزارهای دیپلماتیک، که از افراد با مهارتی که نماینده حکومت خود در کشورهای ذیربط هستند، تشکیل شده است. وظیفه آنان مذاکره و چانه زنی با کشورهای هدف به منظور دستیابی به توافق بر سر منافع ملی است.
- ابزارهای اطلاع رسانی و ارتباطات که وظیفه آنها برقراری ارتباط با افکار عمومی و رسانه‌های جمعی کشورهای هدف است.
- ابزارهای اقتصادی که عمدتاً در دست کشورهای غنی‌تر و پیشرفته‌تر است، یکی از معمولترین و کارآمدترین ابزارهای اجرایی سیاست خارجی است. هرچه کشور هدف، از لحاظ اقتصادی به کشور صاحب تصمیم وابسته‌تر باشد، ابزارهای اقتصادی تعیین کننده‌تر خواهند بود.
- ابزارهای نظامی، که به وسیله آن علیه کشور هدف، زور اعمال می‌شود تا به منافع صاحبان سیاست گردن گذارد. معمولاً ابزار نظامی پس از بی‌کفایتی و عدم کارآیی سایر ابزارها مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.<sup>۹۰</sup>

۱۳. این بخش در پی آن بود که نشان دهد که چگونه جمهوری اسلامی ایران ابعاد متنوع یک حکومت اسلامی را با دموکراسی پارلمانی در آمیخته است. بسیاری از محققان بر دوگانه بودن نظام جمهوری اسلامی ایران پای فشرده‌اند، اما به نظر می‌رسد که در طراحی و تصمیم‌سازی سیاست خارجی، نوعی اجماع در میان تصمیم‌سازان وجود دارد. خصوصاً زمانی که تهدیدی متوجه کشور است، تصمیمات حکومت در مورد سیاست خارجی بیشتر به سمت حفظ منافع ملی میل می‌نماید.

- اگر از دیدگاه نقادانه به فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که این فرآیند نسبتاً طولانی است و در مواقع بحرانی که کمبود زمان از مشخصات اصلی آن است، این پروسه ناکارآمد خواهد بود.

- سازگاری و یا عدم سازگاری اهداف سیاست خارجی با فضای حاکم بر صحنه محیط بین‌المللی ضرورتاً از اهداف تعارضی ناشی نمی‌شود. گاه ممکن است که دیپلماسی ضعیف، محافظه کار و بدبینانه تصمیم‌گیران و یا مجربان موجب شود تا بسیاری از اهداف همگون و حتی غیر متعارض بازیگران در صحنه محیطی به اجرا در نیاید.

- چون محیط عملیاتی و اجرایی سیاست خارجی فراتر از محیطی است که در آن تصمیم اتخاذ می‌شود، طبیعی است که درصدی از اهداف سیاست خارجی در صحنه عملیاتی بین‌المللی عقیم و انجام نشده باقی بماند.

- ارزیابی سیاست خارجی در واقع به معنای تعیین خوب و یا بد بودن آنست. بعبارت دیگر، مسأله ارزیابی در درجه اول به ارزشها باز می‌گردد. ارزیابی مبتنی بر این نگرش، هر تصمیمی را که در شرایط فعلی بتواند اهداف سیستم سیاسی را تأمین کند، خوب و گرنه آنرا بد می‌داند. به دیگر سخن، بهترین تصمیم آن است که با در نظر گرفتن موقعیت و لحاظ کردن امکانات و توانائی‌های بازیگران، با هزینه‌ای معقول بتواند هدف سیستم سیاست خارجی را تأمین کند.<sup>۹۱</sup>

- برای یک ارزیابی کارآمد، تحلیلگر سیاست خارجی، باید اطلاعات لازم و کافی نسبت به آرمانها و اهداف تصمیم‌گیرندگان، افراد و نهادهای دست‌اندرکار تصمیم، سازمان تصمیم‌گیری و مدل بکار گرفته شده در فرآیند سیاستگذاری را در اختیار داشته باشد.

- کارنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که از یکسو دستاوردهای بزرگی از قبل سیاست‌های واقع‌گرایانه این بخش از نظام نصیب کشور و ملت گشته است. از سوی دیگر روابط خارجی ایران در صورتیکه با استاندارد یک سیاست خارجی نسبتاً موفق مقایسه گردد، از انتظارات مردم و نظام ایران پائین‌تر است. این مسأله به عوامل متعدد باز می‌گردد که یکی از آنها سازمان ضعیف وزارت امور خارجه برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی است.

- آنچه اهمیت دارد آن است که در ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی باید بر یک نکته مهم پای فشرده و آن این است که نظام جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف خود لازم است از یک هماهنگی در تصمیم‌گیری برخوردار باشد و دستگاه مجری بتواند در تعامل با موضوعات مختلف و بازخورهای ناشی از آن بر کل دستگاه تصمیم‌گیری اشراف و تسلط داشته باشد.

پانوشت‌ها:

- ۱-Paradigms
  - ۲-State- centric
  - ۳-Multi- centric
  - ۴-Global- centric
  - ۵-Rosenau, James N. & Mary Durfee; *Thinking Theory Thoroughly- Coherent Approaches to an Incoherent World*; Oxford: Westview Press, 1995.
  - ۶-Systemic Approach
    - ۷- مورگنتا، هانس، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹
  - ۸-Waltz, Kenneth N; *Theories of International Politics*; New York: McGraw- Hill, 1979.
  - ۹-Nation- State
  - ۱۰-Sylvan, D. A. & J. F. Voss; *Problem Representation in Foreign Policy Decision Making*; Cambridge: Cambridge University Press, 1998, p. 5
  - ۱۱-Behaviorialism
  - ۱۲-Interdependence
  - ۱۳-Josef Nye
  - ۱۴-Susan Strange
  - ۱۵-Belief Systems
  - ۱۶-Baharcicek, Abdulghadir; «Psychological Environment of Foreign Policy Making»; *Turkish Foreign Policy Quarterly*; Vol. 26, November 2001, Pp. 1- 6.
  - ۱۷-Holsti, K. J.; *International Politics: A Framework for Analysis*; New Jersey: Prentice-Hall International, 1982.
  - ۱۸-Jack C. Plano & Roy Olton, *The International Relations Dictionary*, Forth Edition, New York: Longman, 1988.
  - ۱۹-Frankle, Joseph; *National Interest*; New York: Pall Mall Press, 1970.
  - ۲۰-Rosenau, James (ed); *International Politics and Foreign Policy*, Glencoe, Ill., 1961. P. 78.
- ۲۱- آلیسون (۱۳۶۴)، ص. ۶۲.
- ۲۲-Morgenthau, Hans; *Politics Among Nations*; 4th edition, New York: 1970, P. 185.
  - ۲۳- Cottam, Martha L.; *Foreign Policy Decision Making: The Influence of Cognition*; Boulder: Westview Press, 1986, P. 50.
  - ۲۴-Allen, David; «The Context of Foreign Policy Systems: The Contemporary International Environment»; Michael Clarke & Brian White (eds), *Understanding*

*Foreign Policy: The Foreign Policy System Approach*, New York: Edward Elgar, 1989, Pp. 60- 83.

۲۵ -Farrands, Christopher, «The Context of Foreign Policy Systems: Environment and Structure», Michael Clarke & Brian White (eds), *Understanding Foreign Policy: The Foreign Policy System Approach*, New York: Edward Elgar, 1989, Pp. 84- 108.

۲۶ - Plano (1998), P. 89.

۲۷ -Cognitive Behaviorism

۲۸ - Frankel, Joseph, «Towards a Decision Making Model in Foreign Policy»; *Political Studies*, Vol. 7, No. 1, 1959, Pp. 1- 11.

۲۹ -Vogler, John; Perspectives on the Foreign Policy Systems: Psychological Approaches», Michael Clarke & Brian White (eds), *Understanding Foreign Policy: The Foreign Policy System Approach*, New York: Edward Elgar, 1989, Pp. 135- 162.

۳۰- Bilton, Tony, Kevin Bonnet; *Introductory Sociology*; Second Edition London: McMillan, 1987.

۳۱ -Jervis, Robert, «Hypotheses on Misperception», *World Politics*, Vol. 20, No. 3, pp. 454- 479.

۳۲ -Idiosyncratic Characteristics

۳۳ -Hopple, Gerald W.; *Political Psychology and Biopolitics: Assessing and Predicting Elite Behavior in Foreign Policy Crises*; Boulder: Westview Press, 1980, Pp. 117- 157.

۳۴ -Groupthink

۳۵ -Vogler (1989), P. 145.

۳۶ -Geva, Nehemia & J. Mark Skorick; «Information Inconsistency and the Cognitive Algebra of Foreign Policy Decision Making», *International Interactions*; Vol. 25, No.4, 1999, Pp. 333- 362.

۳۷ -Wolfe, James H. & Theodore Couloumis; *Introduction to International Relations: Power and Justice*; New Jersey: Prentice- Hall, 1990, P. 430.

۳۸ -Cecil, V. Crabb, Jr.; *American Foreign Policy in the Nuclear Age*; New York: Harper & Row, 1972, P. 1.

۳۹-Jervis, Robert; *Perception and Misperception in International Politics*; Princeton: Princeton University Press, 1976.

۴۰-Fiske, Susan T. & Shelley E. Taylor; *Social Cognition*; New York: McGraw- Hill, 1991.

۴۱- Geva (1999), P. 334.

۴۲- مورگنتا، هانس، سیاست میان ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴،

ص. ۱۹۷.

۴۳-National Character

۴۴-National Morale

- ۴۵- مورگنتا (۱۳۷۴)، ص. ۲۴۶.
- ۴۶- آلیسن، گراهام، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی: تفسیری بر بحران موشکی کوبا، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، صص. ۲۶۶-۲۸۷.
- ۴۷- ذوقی، ایرج، «عوامل موثر بر سیاست خارجی ایران»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۶.
- ۴۸- Rosenau, James; *The Scientific Study of Foreign Policy*; New York: Free Press, 1971, Pp. 95- 150.
- ۴۹- Programmed Decisions
- ۵۰- Daft, 2002, P. 401
- ۵۱- Cecil (1972), Pp. 114- 23.
- ۵۲- Stage Dimension
- ۵۳- Basic Decision
- ۵۴- Sequential Decision
- ۵۵- Initiative Decisions
- ۵۶- Response Decisions
- ۵۷- خوشوقت (۱۳۷۵)، صص. ۲۶۱-۲۶۳.
- ۵۸- Kaarbo, Juliet; «Prime Minister Leadership Styles in Foreign Policy Decision Making: A Framework for Research», *Political psychology*; Vol. 18, No. 3, 1997, Pp. 553- 81.
- ۵۹- Kaarbo (1997), P. 560.
- ۶۰- Greenstein, F. I.; *Personality and Politics: Problems of evidence, inference and conceptualization*; Chicago: Markham, 1969P. 46.
- ۶۱- Hermann, M. G. & j. T. Preston; «Presidents, advisors, and foreign Policy: The effects of leadership style on executive arrangements»; *Political Psychology*; Vol. 15, 1994, Pp. 75- 96.
- ۶۲- در مورد رهبری سازمانی بنگرید به
- Etzioni, Amitai; *Modern Organizations*; New Delhi: Prentice- Hall of India, 1993, Ch. 6.
- Davar, Rustam S.; *Creative Leadership: The People Oriented Task Approach*; New Delhi: UBSPD, 1993.
- Pucik, Vladimir, Noel M. Tichy & Carole K. Barnett; *Globalizing Management: Creating and Leading The Competitive Organization*; New York: John Wiley, 1992.
- ۶۳- در حقیقت تئوری Vertical Dyad Linkage (VDL) به این گروه ingroup و یا cadre می‌گوید.
- ۶۴- Dansereau, F., G. Graen & W. J. Haga; «A Vertical dyad linkage approach to leadership within formal organizations»; *Organizational Behavior and Human Performance*, No. 13, 1975, pp. 46- 78.
- ۶۵- Jentleson, Bruce W.; «Discrepant Responses to Falling Dictators: President Belief

Systems and The Mediating Effects of the Senior Advisory Process»; *Political Psychology*; Vol. 11, No. 2, 1990, Pp. 353- 384.

۶۶- Link, Michael W. & Betty Glad; «Exploring the Psycho political Dynamics of Advisory Relations: The Carter Administration's Crises of Confidence»; *Political Psychology*; Vol. 15, No. 3; Pp. 461- 480.

۶۷- برای مطالعه اهمیت ایران در جهان معاصر بنگرید:

- گراهام فولر، ایران، قبله عالم، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۵.

۶۸- Maleki, Abbas; «Who determines the Iran's Boundaries in the Caspian Sea», delivered in «Symposium on Modern Boundaries of Iran: The Problems and Practices of Iranian Boundaries»; School of Oriental and African Studies (SOAS), University of London; London, October 9 & 10, 2002.

۶۹- در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۱، آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره جدید را منصوب نمودند.

۷۰- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۲

۷۱- اصل ۲ بند ج

۷۲- اصل ۲

۷۳- اصل ۳

۷۴- اصل ۳

۷۵- اصل ۱۵۲

۷۶- اصل ۲ بند ج

۷۷- اصل ۲ بند ج

۷۸- اصل ۱۵۲

۷۹- اصل ۳ بند ۵

۸۰- اصل ۳ بند ۵

۸۱- اصل ۳ بند ۱۱

۸۲- اصل ۴۳ بند ۸

۸۳- اصل ۱۵۳

۸۴- متولی، ذکریا، چگونگی افزایش کارآیی سیاست خارجی، تهران: پایان نامه، صص ۱۱۶- ۱۲۰

۸۵- ایزدی، بیژن، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز انتشارات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱، صص. ۱۰۷- ۱۳۰.

۸۶- نیرآبادی، حمید، ساختار رسمی تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۴.

۸۷- وزارت امور خارجه، سیاستگذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹، ص. ۱۵۳.

۸۸- محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص. ۹۵- ۹۸



۸۹- مقتدر، هوشنگ، مباحثی در باره سیاست بین‌المللی و سیاست خارجی، تهران: دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، ۱۳۵۸، صص. ۱۷۳-۱۷۷.

۹۰- خوشوقت، محمد حسین، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، صص. ۲۶۶-۲۶۸.

۹۱- Etzioni, Amitai; *The Active Society*; New York: The Free Press, 1968.

